

## Using Fractals and Leverage

### فصل ۸

## استفاده از فراکتالها و ضریب اهرمی

او گفت " بیایید بسوی لبه پرتگاه" ...  
 او گفت " بیایید بسوی لبه پرتگاه" ...  
 او گفت " بیایید بسوی لبه پرتگاه" ...  
 او دستشان را گرفت ...  
 و همگی باهم ... به پرواز درآمدند.

#### اهداف:

- ۱- شناسایی و تشخیص الگوهای فراکتالی و نحوه ترید کردن بر مبنای آنها.
- ۲- تشخیص اینکه چگونه «ضریب اهرمی» می تواند سیگنالهایی را هم برای ترید و هم برای پرهیز از ترید ، تولید کند.

تجار کالا و مدیران بزرگ، همواره اشتیاق فراوانی به پذیرش هر گونه طرح و نوآوری جدیدی برای استفاده در توسعه امور تجاری خود دارند. بیشتر اوقات، این طرحهای نو ابداعات تازه ، اصلا به سوددهی مناسبی منجر نمی شوند و بنابراین نهایتا کنار گذاشته میشوند. در سالهای گذشته، انواع و اقسام اندیکاتورهای تکنیکال



برای استفاده در مارکت طراحی شده و توسط تریدرها بکار گرفته شده اند که اغلب این روش ها نیز به تدریج یا بطور کل از اذهان حذف شده اند و یا بعلت عدم اثبات سودآوریشان ، به مرور زمان توسط تریدرها به کنار گذاشته شده اند.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ جعبه سیاه های 3000 دلاری (BlackBox) ، RSI ها ، استوکاستیکها و بسیاری اندیکاتورها و شاخصهای حساس دیگر ، ایجاد شدند. سپس تریداستیشن ها (Trade Station) و سایر برنامه های کامپیوتری توسعه یافته ، امکان بک تست کردن (Back Testing) و تحلیل چارت را برای تریدرها فراهم ساختند که این خود تا مدتها تبدیل به پروژه های مفرحی برای تریدرهای نوآموز شده بود. اگرچه «سیستمهای مکانیکی» بسیار جذاب و عامه پسند بودند ولی مطمئناً سودآور نبودند.

به موازات آن ، روشهای سبدگردانی و پروفایل سازی پدید آمدند. این روشها نیز به نوبه خود هزاران تریدر باهوش دیگر را هم به دام ضرردهی انداختند و سرمایه های ایشان را نیز برباد دادند. آنها ضرر میکردند چون روشهای «پروفایل گردانی» براساس تئوریهای «آماراحتمالات پارامتری» تدوین شده بود که مبنا را براین فرض می گذاشت که مارکت اصولاً مدلی خطی از داده های آماری و تصادفی



است. اما مشکل اینجا بود که روشهای آماراحتمالی پارامتری یک اصلاً برای بررسی رفتارهای یک «سیستم غیرخطی» مانند مارکت ، مناسب نبودند. مضحک است که در این میان حتی گروهی نیز به طالع بینی و ستاره شناسی پرداختند و جالب است که طرفدارانی را هم برای خود پیدا کردند ، درست درشرایطی که هرروزه برنامه های کامپیوتری جدیدی برای پیشبینی بازار ارایه میشد ، و به سرعت نیز ناکارآیی شان به اثبات میرسید، درهمین شرایط طالع بینها باغرور سر خود را بالا میگرفتند و شهرت فراوانی را هم برای خود دست و پا میکردند.

درحالیکه به نظر می رسید دیگر چیز جدیدی برای آزمودن باقی نمانده است، گروهی از تریدرها مجذوب روشی باستانی بنام «کندل استیک Candlestick» یا «شمعهای ژاپنی» شدند. متأسفانه این روش نیز علی رغم تمام ظرافتهایی که برای خود داشت، نتوانست عمده تریدرها را به سودآوری مستمری برساند.

اما تئوری «چایوز» و «فراکتالها» دورنما و چشم اندازی کاملاً متفاوت را ارایه میکنند. تمام روشهای دیگر براساس فلسفه سنتی ارسطویی بنا شده اند. چایوز و بازارها هر دو پدیده هایی «طبیعی» هستند. هنگامیکه شما چگونگی کارکرد بازار را کاملاً درک کردید، خواهید فهمید که چرا تمام سیستمهای خطی یا از همان آغاز ناکارا هستند و یا به سرعت رو به زوال میگذارند.

در مدت بیش از دوازده سال گذشته گروه ما تحقیقات فراوانی را بر روی کاربرد تئوری چایوز و مکانیک کوانتوم در ترید کردن درمارکت انجام داده است. به کمک دونفر از همکارانمان که دکترای ریاضیات محض و علوم کامپیوتر دارند و با استفاده از یک ابر کامپیوتر، ما توانستیم بدقت زیر ساختهای تشکیل دهنده امواج الیوت (یا همان فراکتالها) را تشریح کنیم. ما از برنامه های بازخوردی پیشرفته حساب دیفرانسیل و انتگرال غیرخطی برای استخراج دقیق نقاط فراکتالی روی چارتهای استفاده کردیم. سپس از بین هزاران چارتی که فراکتالها را بروی آنها به کمک کامپیوتر رسم کرده بودیم، به دنبال مشاهده هرگونه الگوی هماهنگ و ثابتی برای آرایشهای فراکتالی گشتیم.

سرانجام ما الگویی را یافتیم که بیش از ۹۸ درصد از فراکتالهایی را که توسط کامپیوتر رسم شده بود به دقت منعکس می ساخت. این الگو این امکان را به ما میدهد تا بدون نیاز به استفاده از ابر کامپیوترهای پیچیده به ترید کردن بر روی فراکتالها بپردازیم. در حال حاضر ما یکی از معدود گروه هایی در دنیا هستیم که با استفاده از این تئوری بر روی بازارهای مختلف ترید میکنیم.



گذشته از همه تئوریها، مفاهیم، و آزمونهایی که منجر به کشف و شناخت ما از فراکتالهای امواج الیوت شده است؛ اجازه دهید تا ببینیم که اصلا یک فراکتال شبیه چه چیزی است و چگونه میتوان با آن ترید کرد.

فراکتالهای (رفتاری) مارکت نشانگر وقوع یک تغییر رفتار مهم در بازار هستند. هنگامیکه شما تصمیم به خروج از یک ترید زیان ده میگیرید، اینکه دقیقا کجا از ترید خود خارج خواهید شد کاملاً قابل پیش بینی است. شما دقیقا در لحظه ای از ترید زیان ده خود خارج خواهید شد که **درد از دست دادن صرفا یک دلار بیشتر**، برایتان زجرآورتر از درد پذیرفتن این است که **شما در تصمیم گیری خود برای این ترید اشتباه کرده اید!** اینجا دقیقا یک نقطه فراکتال (تغییر رفتاری) است.

همچنین یک فراکتال دیگر هنگامی رخ میدهد که شما تصمیم میگیرید تا گوشی تلفن را برداشته و به کارگزارتان یک سفارش جدید بدهید. ویا یک فراکتال رفتاری دیگر هرزمانی ایجاد میشود که شما تصمیم به خواندن این کتاب به جای انجام هر فعالیت دیگری می گیرید.

هر تصمیمی برای ترید، درواقع خود یک فراکتال رفتاری است. برای موفقیت در ترید، ما باید قادر باشیم که فراکتالهای (تغییرات) رفتاری توده تریدرها را تشخیص دهیم. و تغییر قریب الوقوع در حرکت بازار را متوجه شویم. دراینصورت ما میتوانیم اوردرهايمان را بلافاصله پس از آغاز یک روند جدید سفارش دهیم ویا حتی قبل از آن. همچنین ما میتوانیم همانگونه که فراکتالهای «رفتاری» خودمان را بر مبنای روانشناختی شخصی خویش بررسی کنیم، فراکتالهای «اجتماعی» بازار را نیز میتوانیم از شواهد موجود در چارت میله ای مورد آنالیز و تحلیل قرار دهیم.

## THE INITIATING FRACTAL PATTERN

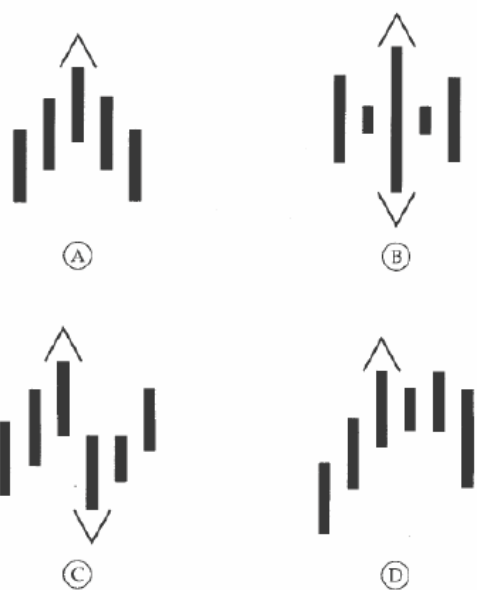
### الگوهای فراکتالی اولیه

هر الگوی فراکتالی در چارتهای میله ای (در تمام تایم فریمها) از حداقل پنج میله متوالی تشکیل شده است. تعریف کاربردی ما از یک فراکتال اولیه ، مجموعه ای از پنج میله متوالی است بطوریکه شاخ (High) میله وسطی باید بالاتر از شاخ (High) دومیله قبل و بعد از خود باشد (Higher High) و یا بطورعکس برای فراکتالهای پایین ، باید دم آن پایین تر از دم بقیه باشد (Lower Low)

در شکل ۸-۱ حالت‌های مختلفی را برای یک الگوی فراکتالی اولیه ، نشان داده ایم. نکته مهم برای همه این فراکتالها این است که شروط زیر حتما باید برای هر الگوی فراکتالی صادق باشند :

- ۱- اگر هر یک از میله ها ، شاخی موازی و هم اندازه با شاخ میله وسطی داشته باشد، دیگر این میله ، جزو مجموعه ی پنج میله ای فراکتال به حساب نخواهد آمد. زیرا شرط داشتن شاخ پایین تر (Lower High) نسبت به میله وسطی ، برای آن برقرار نخواهد بود. (ویا به طور عکس برای فراکتالهای پایین ، باید همه میله ها دارای Higher Low باشند)
- ۲- دو فراکتال مجاور ، ممکن است میله های مشترکی داشته باشند.

در شکل (۸-۱) الگوی A یک فراکتال ساده را نشان میدهد که در آن دو میله بعد و قبل از میله



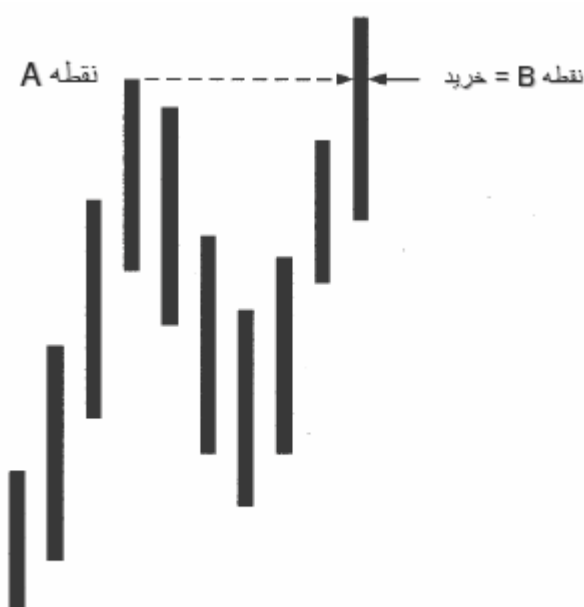
شکل ۸-۱: مثالهایی از فراکتالهای آغازین.

وسطی ، دارای High پایینتر از میله وسط هستند. این یک الگوی فراکتال بالا است که با نماد  $\wedge$  نیز نمایش داده می شود. از طرفی الگوی B نیز یک فراکتال بالا است، ولی به طور همزمان یک فراکتال پایین  $\vee$  نیز ایجاد کرده است. این بدان خاطر است که دو میله بعدی و دو میله قبلی میله های درونی هستند. آنها شرایط لازم را برای ایجاد یک الگوی فراکتالی که بر مبنای آن باید میله وسط دارای بالاترین High یا پایین ترین Low نسبت به ۵ میله متوالی خود باشد را دارا هستند.

الگوی C نیز حالت دیگری را نشان میدهد که بازهم هر دو فراکتال بالا و پایین به طور همزمان ایجاد شده اند. چیزی که واضح است این است که این فراکتالها ، تعدادی از میله های یکدیگر را به اشتراک گرفته اند. الگوی D به شش میله برای تشکیل یک فراکتال بالا نیاز دارد، زیرا پنجمین میله آن ، دارای شاخی هم اندازه با شاخ قبلی است. تعریف کاربردی مان را برای فراکتالها بخاطر بیاورید : **در یک «فراکتال بالا» باید دو میله قبلی و دو میله بعدی ، همگی شاخهایی پایینتر از قله ی میله وسطی داشته باشند. (و یا دارای Low بالاتر ، در یک حرکت نزولی و برای فراکتالهای پایین)**

هنگام بررسی فراکتالهای بالا، فقط به High میله ها توجه می کنیم، و برعکس در فراکتالهای پایین فقط به Low میله ها دقت میکنیم.

وقتی که بازار یک حرکت بولیش رو به بالا را انجام میدهد ، ابتدا به نقطه ی اوج خود در A می رسد و سپس با دو میله ای که High کمتری دارند شروع به بازگشت میکند و درواقع بازار در این نقطه ، یک تصمیم فراکتالی گرفته است.



شکل ۸-۲: سیگنال فراکتال خرید.

(شکل ۲-۸ را ببینید). مارکت ابتدا تا نقطه ی A صعود کرده و سپس به هر دلیلی، رو به سمت پایین برگشته است. اما چون روند حرکت بازار صعودی است، قیمت باید مجدداً بسمت بالا حرکت نموده و از نقطه A نیز فراتر رود. این الگو نشانگر آن است که بازار عقیده قبلی خود را عوض کرده و تصمیم به باز پس گیری رأی اولیه اش نسبت به توقف در نقطه A گرفته است. بنابراین حتی یک پیپ بالاتر از نقطه A میتواند Breakoutی برای خرید باشد.

هر مجموعه ی پنج میله ای توالی، که میله وسطی آن بالاتر (یا پایینتر) از دو میله قبلی و بعدی آن باشد، یک فراکتال را تشکیل میدهد. و هنگامیکه یک فراکتال ایجاد میگردد، به صورت یک فراکتال نیز باقی خواهد ماند. این فراکتال در طول عمر پربار(!) خویش ، ممکن است چندین نقش متفاوت را ایفا نماید. این فراکتال ممکن است درهرلحظه بسته به شرایط یک **فراکتال آغازگر (FractalStart)** ، یک **فراکتال سیگنال دهنده (FractalSignal)** و یا یک **فراکتال متوقف کننده (FractalStop)** باشد. درواقع نقش فعلی یک فراکتال بستگی به این دارد که اکنون در کجای مجموعه ای از حرکات رو به بالا و پایین بازار قرار گرفته است.

## Definitions

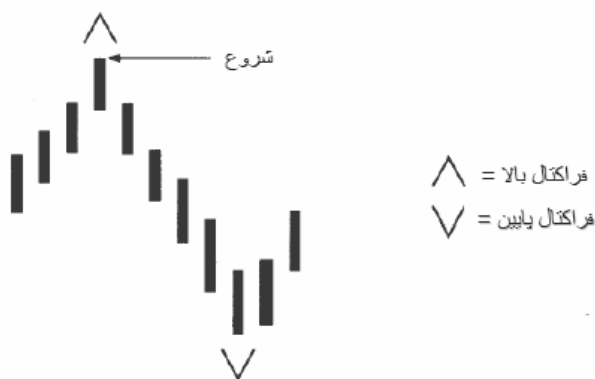
### تعاریف

قبل از ادامه مطلب باید نقشه‌های مختلفی که یک فراکتال می‌تواند بازی کند را تعریف کنیم:

**فراکتال آغازگر** یا **فراکتال استارت** به فراکتالی گفته میشود که به دنبال آن یک فراکتال در جهت مخالف می‌آید (شکل ۳-۸)

**فراکتال سیگنال** هر فراکتالی است که بعد از یک فراکتال در جهت مخالف می‌آید (شکل ۴-۸) برای مثال، هر جا که یک فراکتال پایین دنبال یک فراکتال بالا، بیاید؛ چیزی که در بین این دو ایجاد میشود همیشه یک موج الیوت از درجه یکی یا دیگری است.

توجه کنید که یک فراکتال استارت و یک فراکتال سیگنال همواره همزمان با هم ایجاد میشوند.



شکل ۳-۸: فراکتال شروع.



شکل ۴-۸: فراکتال سیگنال.



شکل ۵-۸: فراکتال توقف.

**فراکتال استاپ** دورترین پیک فراکتال از بین دو فراکتال قبلی در جهت مخالف میباشد و معمولاً ولی نه همیشه، دومین فراکتال قبلی در جهت مخالف خواهد بود. شکل ۵-۸ هر دو مورد را نشان میدهد.

(مترجم :

چی شده !! چرا نگرانی ؟

جان ... ؟ متوجه نشدی چی گفت ؟!

فب این که نگرانی نداره ! پس من واسه چی اینجا !!

ما ترجمه هامون رو با کاراتی خدمات پس از فروش ارایه میکنیم !! الان قشنگ برات توضیح میدم ... :

ببینید همانطور که در شکل بالا (اولین نمودار) مشاهده میکنید ، در نقطه ای که سیگنال فروش صادر شده، قیمت از آفرین **فراکتال سیگنال** عبور نموده است. بنابراین درست در لحظه ای که قیمت یک پیپ به زیر **فراکتال سیگنال** سقوط می کند درواقع **سیگنال فروش** صادر می شود و شما بلافاصله **Sell** میکنید و وارد پوزیشن پیش فروش خود می شوید.

اما تکلیف **فراکتال استاپ** چی است؟ **فراکتال استاپ** درواقع همان **مد ضرر** شماست. یعنی **فراکتال استاپ** نقطه ای را مشخص میکند که شما باید استاپ یا مد ضرر خود را در آنجا بگذارید. یعنی اگر قیمت به متری یک پیپ بالاتر از صعود کرد ، شما باید بلافاصله از پوزیشن فروش خود خارج شوید. فب ... تا اینجا که آسان بود. نه ؟ پس مالا بقیه اش را بفوانید:

اصلا این **فراکتال استاپ** چگونه تعریف می شود ؟

**فراکتال استاپ** را اینطوری پیدا میکنیم: از بین دو فراکتال فلاف جهت آفری، نگاه میکنیم که کدام یک **دورترین فاصله** را از نقطه ورود ما دارند؟ یعنی در این مثال کدام یک **قله بلندتری** دارد. هرکدام از این دو فراکتال فلاف جهت آفری که **قله** دورتری داشته باشد، همان **فراکتال استاپ** ما خواهد بود. در شکل اول این فراکتال استاپ بر روی همان **قله اولی** قرار گرفته است. اما در شکل دوم **قله اولی** پایین تر از **قله** دومی است. بنابراین فراکتال استاپ (یعنی مد ضرر پوزیشن **Sell** ما و یعنی نقطه ای که اگر قیمت به آنجا رسید ما باید پوزیشن خود را متوقف نموده و از آن خارج گردیم) در همان **قله دومی** قرار میگیرد که همانا **قله بلندتر** است و فاصله بیشتری از نقطه ورود ما دارد)

## LEVERAGE

### ضریب اهرمی

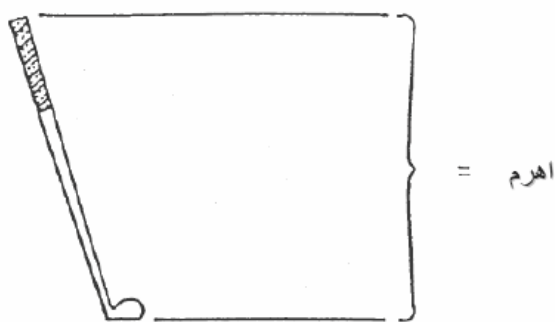
اکنون ما آماده بررسی مفهوم «**ضریب اهرمی**» یا «**Leverage**» هستیم. نخست، یک چوب شماره یک بازی گلف را در نظر بگیرید که شما برای بلندترین پرتابهایتان از آن استفاده میکنید. چه عواملی باعث میشوند که ضربه شما توپ گلف را صدها یارد دورتر، بر فراز زمین چمن، پرتاب نماید؟

این عوامل ترکیبی از قدرت ضربه، جهت یابی دقیق، و ضریب اهرمی چوب گلف تان هستند که باعث میشوند بلندترین پرتابهای خود را انجام دهید. (شکل ۶-۸).

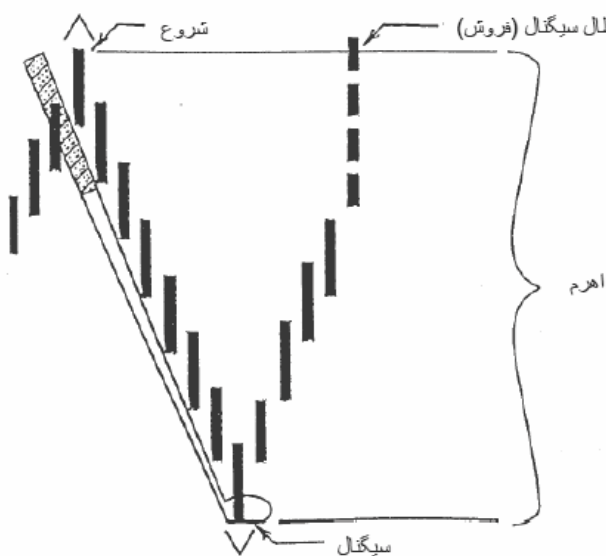
یک تورنمنت گلف شرکت کرده اید. تورنمنتی کاملا عجیب و غریب و با قوانینی متفاوت: مثلا فرض کنید که پس از هر پرتاب شما، داور مسابقه به اندازه ۶ اینچ از دسته چوب شماره یک شما را اره میکند!

پس از چند پرتاب، امتیاز شما شروع به افزایش خواهد نمود، زیرا ضریب اهرمی چوب شما پس از هر پرتاب، مقداری افزایش خواهد یافت.

حال اجازه دهید تا همین اصل را در مارکت بکار ببریم. هر زمانه شما یک **فراکتال استارت** و یک **فراکتال سیگنال** داشته باشید، دارای یک **ضریب اهرمی** خواهید بود (شکل ۷-۸). اما اگر بازار به سمت فراکتال استارت بازگردد، شما بخشی از اهرم خود را از دست خواهید داد. اگر بازار بطور کامل تمام مسیر خود را تا یک پیپ بالاتر از فراکتال استارت بازگردد، درواقع شما همه اهرمتان را از دست خواهید داد و سیگنال فروش (یا خرید) بلافاصله لغو میگردد.



شکل ۶-۸: یک مثال از اهرم.



شکل ۷-۸: اهرم در بازار.



## TAKING ACTION

### آغاز به کار

ترید کردن با فراکتالها راهی آسان است برای حصول اطمینان از اینکه همسو با مومنتم لحظه ای بازار و در جهت صحیح، ترید می کنیم. هنگامی که بازار حرکتی جهت دار را آغاز میکند ، مومنتم آن افزایش میابد. این مانند توپ در حال چرخشی است که مادامی که به مقاومت مستحکمی برخورد نکند - مقاومتی که توان و انرژی آن بیش از قدرت مومنتم توپ باشد - به چرخش خود ادامه خواهد داد. فراکتالها به تریدر میگویند که رودخانه مارکت در کدام مسیر جریان یافته است. فراکتالها تضمینی هستند برای اینکه از هر ترند قابل توجهی استفاده کنیم و هیچ حرکتی را به اشتباه از دست ندهیم .

بخاطر داشته باشید که ما در جستجوی یک آرایش فراکتالی بخصوص هستیم که از دو فراکتال مجاور تشکیل شده باشد که در خلاف جهت یکدیگر قرار داشته باشند (فراکتال استارت و فراکتال سیگنال). اگر قیمت از فراکتال سیگنال عبور کند ، ماشه شلیک میگردد و ما در همان جهت وارد بازار میشویم. یک فراکتال استاپ عموماً در دومین فراکتال ماقبل و در خلاف جهت قرار میگیرد و یا اینکه به صورت یک سیگنال خرید (یا فروش) در جهت مخالف ظاهر می شود. در مورد اول فقط یک **سیگنال خروج** از بازار خواهیم داشت، درحالیکه در مورد دوم با یک **سیگنال خروج و ورود مجدد** مواجه خواهیم بود. اگر شما تشخیص دهید که در یک «بازار ترند» قرار دارید ، میتوانید سود خود را با استفاده از تریلینگ کردن نقطه استاپ (به دو فراکتال قبل در جهت مخالف) به حداکثر برسانید. و اگر تشخیص دهید که در یک «بازار رفت و برگشتی» هستید، میتوانید تصمیم به خروج/ورود مجدد بگیریید(با استفاده از روشی که در بخش بعد توضیح خواهیم داد)

FIBO & Pip



2007 "FXstreet.com. The Forex Market" All Rights Reserved.

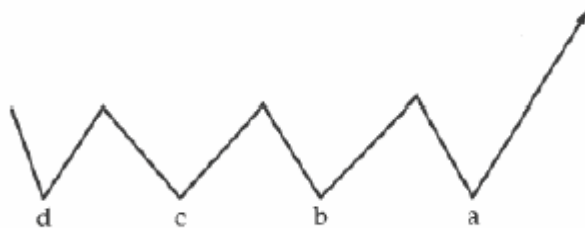
## LOOKING INSIDE THE FRACTAL

### مشاهده ی درون فراکتالها

ترید کردن با استفاده از فراکتالها این تضمین را به شما میدهد که هرگز از هیچ ترند مهمی خارج نمائید. این روش سودی شگرف را برای شما به ارمغان می آورد زیرا بیشتر سودهای شما در بازارهای ترنددار کسب میگردند. ترید کردن حتی صرفا با راهنمایی فراکتالها خود به تنهایی میتواند سودآوری مستمر و مداومی را برای شما فراهم آورد. اما به هر حال وجه منفی قضیه این است که اغلب تریدرها بخش عمده ای از سودهای خود را در بازارهای دوسویه و رنج مجددا از دست می دهند. ما میتوانیم سودآوری خودمان را با غور کردن به درون فراکتالها برای یافتن موقعیت بهتری برای ترید ، بهبود بخشیم. همچنین قادر به ورود سریعتر و زود هنگام به هر ترند جدید باشیم.

گروه تحقیقاتی ما (Profitunity Research Group) PRG سه سال از وقت خود را صرف تعمق به درون فراکتالها و جستجو برای شناخت عمیق تری از دینامیک داخلی آنها نمود. سرانجام ما موفق به رمزگشایی از ساختار درونی فراکتالها شدیم و روشی را یافتیم که بر مبنای آن می توانیم تشخیص دهیم که یک تغییر خاص در روند جاری ، آیا منجر به آغاز ترندی جدید میگردد؟ و یا صرفا در محدوده ی رنج روند قبلی باقی خواهد ماند؟

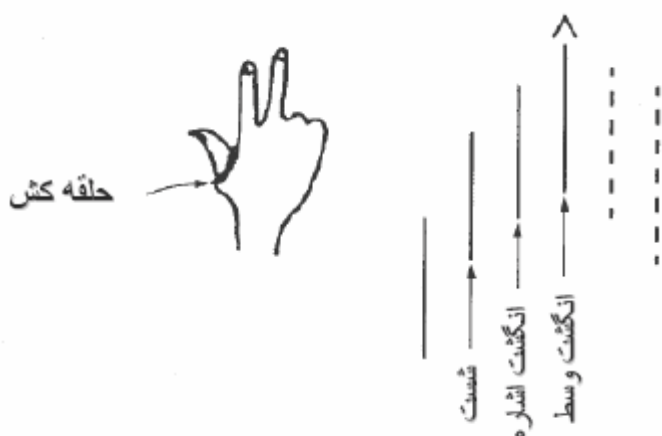
به شکل ۸-۸ نگاه کنید، ما میخواهیم بدانیم که آیا بین **نقطه a** و **نقاط b, c و d** هیچگونه اختلافی وجود دارد؟ آیا این اختلاف می تواند اطلاعات قابل اعتمادی را به ما دهد که قادر باشیم تا پیش از آنکه شکست (Breakout) برای سایر تریدرها آشکار شود ، ما خریدمان را انجام دهیم؟ دقت کنید که **نقطه a** و همچنین **نقاط b, c و d** همگی فراکتال هستند.



شکل ۸-۸: احاطه کردن هدف برای ورود به یک بازار روند دار.

پیشنهاد میکنم از یک کش بعنوان وسیله آموزشی برای درک چگونگی این تکنیک استفاده کنید. کش را محکم به دور انگشت شست دست راستان ببندید تا نشان دهنده اولین میله روی نمودار باشد. حتی اگر چپ دست هستید باید بازهم از شست راست تان استفاده کنید. سپس مطابق شکل ۹-۸ دو انگشت خود را به داخل خم کنید تا فقط انگشتهای شست، اشاره و انگشت وسط تان باز بماند.

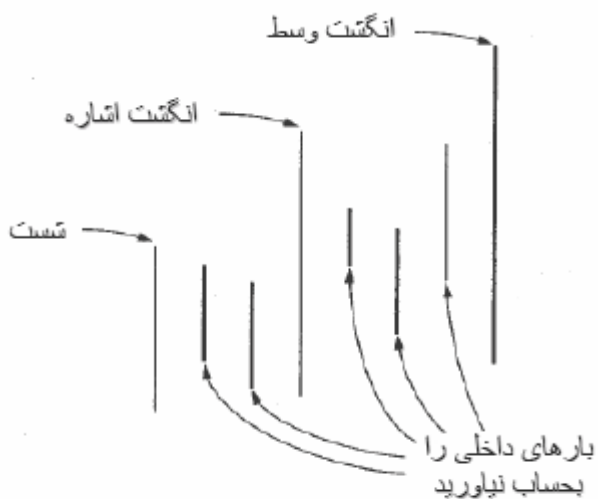
ما این را یک *setup* مقدماتی برای تشکیل یک فراکتال مینامیم. برای ایجاد یک فراکتال کامل، باید



دو میله متوالی بعدی که دارای high کمتری نسبت به high میله انگشت وسطی مان باشند. برای ترید کردن با این روش، ابتدا باید ستاپ شامل سه میله مقدماتی را داشته باشیم. و هر کدام از این میله ها باید دارای یک high بالاتر و یک low بالاتر از میله (انگشت) قبلی باشد (شکل ۱۰-۸).

شکل ۹-۸: دست راست همراه با حلقه کش.

میله های داخلی را نمیتوان بحساب آورد زیرا آنها نه دارای high بالاتر و نه دارای low بالاتر هستند. پس بخاطر داشته باشید که فقط آنهایی را بحساب می آوریم که هم low و هم high بالاتری نسبت به انگشت قبلی داشته باشند.



شکل ۱۰-۸: "مقدمه چینی" ترید شستی.

معیار بعدی این است که دو تا از این سه میله / انگشت باید یک *squat* یا یک *green* یا هر گونه ترکیبی از *squat* ها یا *green* ها باشند. به عبارت دیگر، دو تا از این سه میله باید دارای حجم مبادله بیشتری نسبت به میله بلافاصله قبل از خود باشند. به محض اینکه شما این ستاپ مقدماتی را مشاهده کردید، یک اوردر فروش یک پیب پایینتر از Low میله شست قرار دهید.

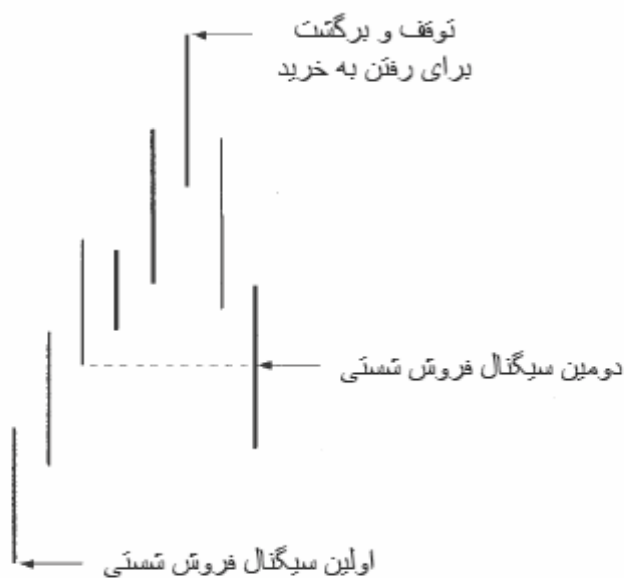
حال از این به بعد چه رخ خواهد داد؟ اگر بازار به حرکت رو به بالای خود ادامه دهد و یک میله/شست بالاتر ایجاد کند، شما سفارش فروش خود را به بالاتر منتقل میکنید (شکل ۸-۱۱).



و اگر بازار به سمت پایین حرکت کند و استاپ شما را بزند، باید بلافاصله یک اوردر خروج/ورود مجدد را در جهت معکوس و در بالای انگشت وسط (که اکنون قاعدتاً یک سیگنال فراکتال بالا را تشکیل داده است) قرار داده و سفارش خرید میدهید.

شکل ۸-۱۱: تریدهای شستی حرکت صعودی با highهای جدید.

میزان ریسک شما از Low میله شست (محل قرار گرفتن کش) تا High انگشت وسط است (شکل ۸-۱۲).



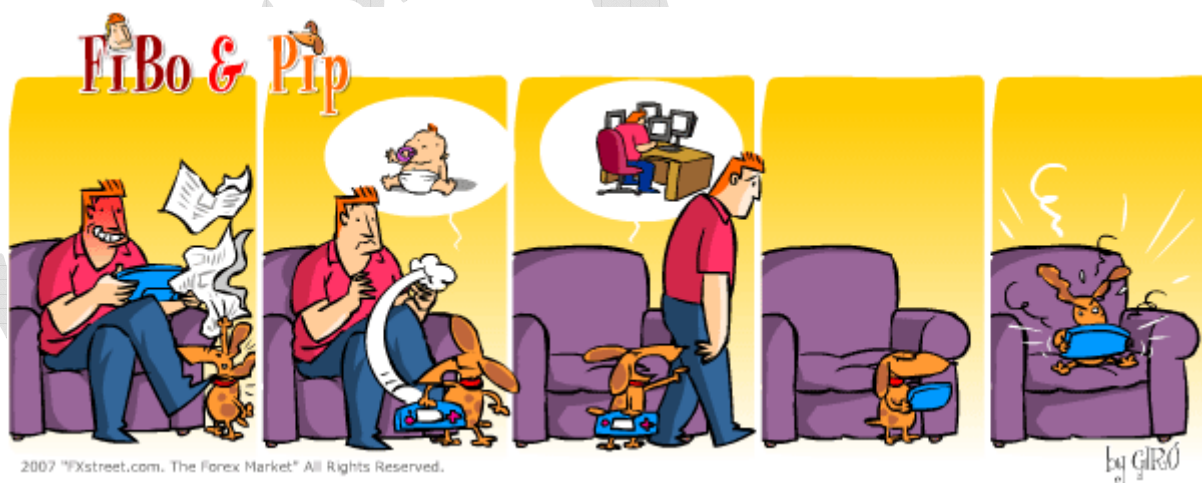
شکل ۸-۱۲: جائیکه باید در صورت اجراء شدن یک ترید شستی، دستور توقف و برگشت قرار دهید.

تکنیک ترید کردن با کمک انگشت شست ، در یک بازار رنج و متعادل ، شما را در موقعیتی بسیار بهتر و سریعتر وارد بازار میکند. ما این را *double duty dollar area* می نامیم ، زیرا شما در یک موقعیت ترید برنده-برنده قرار می گیرید ، که هم ریسک کمتری را متحمل می شوید و هم سود مضاعفی را کسب می کنید.

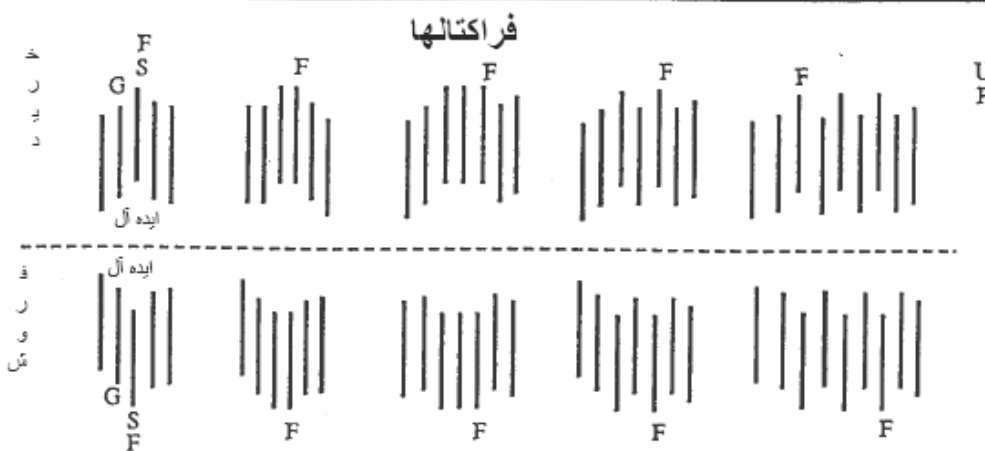
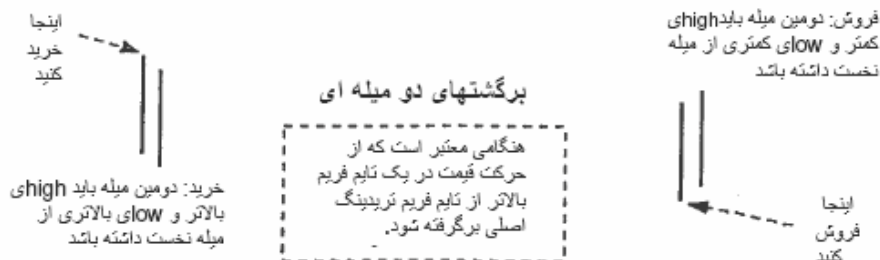
در شکل‌های ۸-۱۳ و ۸-۱۴ شرح فشرده ای از انواع مختلف فراکتالها، نقاط توقف (دوتا میله به عقب و در خلاف جهت) وهمچنین روش ترید با انگشت شست ارائه شده است.

شکل‌های ۸-۱۵ الی ۸-۱۹ مثالهایی از ترید کردن با فرکتالهای ساده را در تایم فریم های کوتاه مدت نشان میدهند. توجه کنید که فراکتالها در تایمهای بلند مدت تر نیز به همان نسبت به خوبی عمل می کنند.

در پایان پرسشهایی را بعنوان خودآزمایی طرح کرده ایم که میزان دانش شما را در سطح دوم (یعنی سطح مبتدی پیشرفته) ارزیابی می کنند.



2007 "FXstreet.com. The Forex Market" All Rights Reserved.



یک سلسله پنج میله ای یا بیشتر که در آن میله مرکزی (یا گروهی از میله ها) دارای دو میله با high پایینتر برای سیگنال خرید (یا دو low ای کمتر برای سیگنالهای فروش) قبل و بعد از خود هستند. low های میله بروی فراکتال های بالا هیچ اثری ندارند و high ها هیچ اثری بروی فراکتالهای پایین ندارند.



یک سلسله سه میله ای یا بیشتر که بصورت متوالی دارای high و low های بالاتر برای سیگنالهای فروش یا high و low های کمتر برای سیگنالهای خرید هستند. در گروه بندی شستی، باید حداقل یک میله squat و یک میله سبز وجود داشته باشد. اگر یکی یا (هر دو) موجود نبود، فرض میشود که سیگنال شستی ضعیف است.

F = فراکتال، S = اسکات، G = گرین

شکل ۱۳-۸: تعاریف آرایشهای کلیدی و پایه.

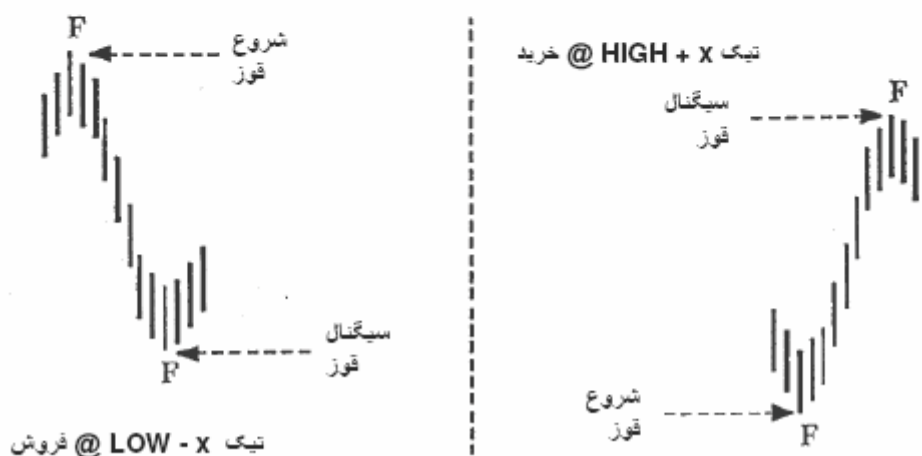
قوز = دست پنج انگشتی = فراکتال (تمام این عبارتها به یک آرایش اشاره میکنند).

آنچیزی که بهنگام تشکیل یک فراکتال با جهت مخالف فراکتال قبلی روی میدهد همیشه یک موج الیوت در همان درجه است.

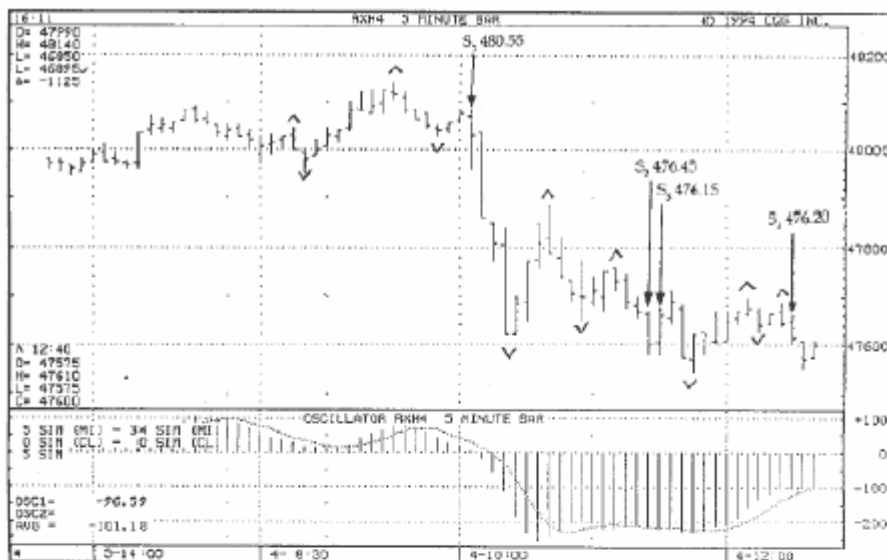
یک فراکتال همیشه یک تغییر در رفتار است. و به صورت حداقل پنج میله متوالی نمایش داده میشود که در آن میله  $low$  ( $high$ ) دارای دو میله بعد از خود و قبل از خود با های ( $low$ ) کمتر (بیشتر) از بلندترین (کوتاه ترین) میله است.

یکی از راههای ترید کردن با فراکتال به اینصورت است: هر وقت که بازار از منتهی الیه بیرونی اش تجاوز کرد ( $high$  بروی فراکتالهای بالا و  $low$  بروی فراکتالهای پایین)، بهمراه جهت فراکتال بیرونی بروید.

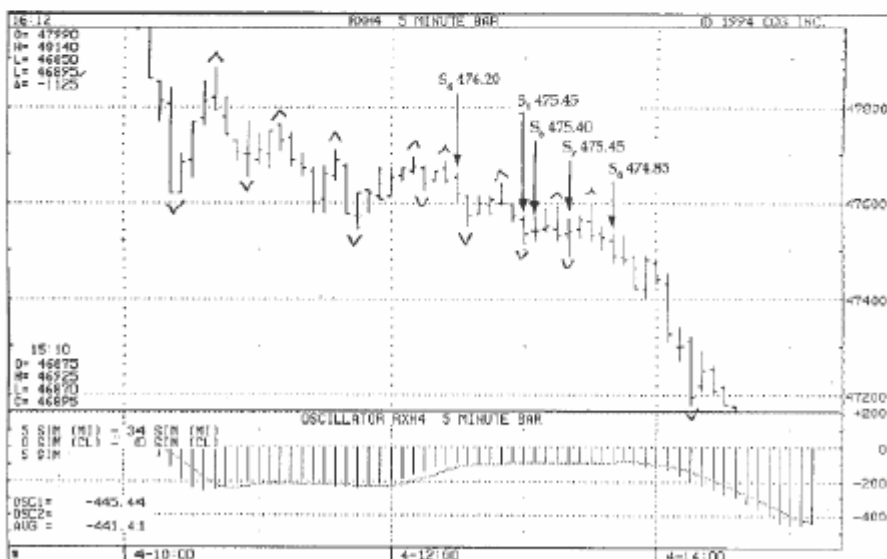
وقتیکه فراکتالهای مخالف در جایی تشکیل شود که با هیچیک از میله های آرایش نهایت همبستگی نداشته باشد، یک سیگنال قوز (فراکتال) ایجاد میشود. اولین فراکتال ایجاد شده شروع قوز نامیده میشود و دومین فراکتال، سیگنال قوز است.



شکل ۱۴-۸: سیگنالها و آرایشهای فراکتال.



شکل ۱۵-۸: ترید کردن با سیگنال فراکتالی ساده بروی میله های  
۵-دقیقه ای - ۴ فوریه ۱۹۹۴.

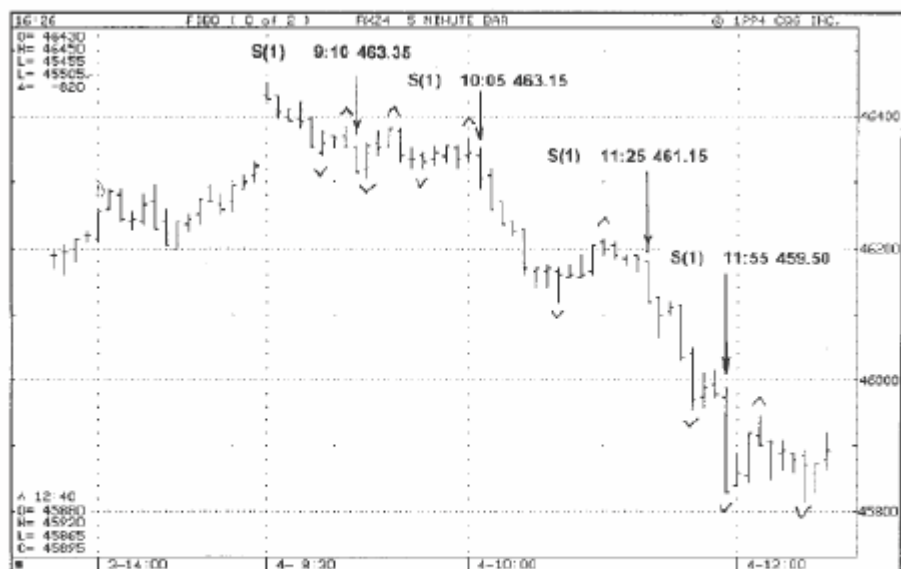


شکل ۱۶-۸: ترید کردن با سیگنال فراکتالی ساده بروی میله های  
۵-دقیقه ای - ۴ فوریه ۱۹۹۴.





شکل ۱۷-۸: ترید کردن با سیگنال فراکتالی ساده بروی میله های ۵-دقیقه ای - ۴ فوریه ۱۹۹۴.



شکل ۱۸-۸: ترید کردن با سیگنال فراکتالی ساده بروی میله های ۵-دقیقه ای - ۴ اکتبر ۱۹۹۴.



شکل ۱۹-۸: ترید کردن با سیگنال فراکتالی ساده بروی میله های ۵-دقیقه ای - ۴ اکتبر ۱۹۹۴.

## REVIEW QUESTIONS

### پرسش

- ۱- چگونه یک فراکتال را مشخص میکنید؟ خصوصیات مهمی که هر فراکتال باید داشته باشد را نام ببرید.
- ۲- فراکتال استارت را شرح داده و محل آن را مشخص کنید.
- ۳- فراکتال سیگنال را شرح داده و محل آن را مشخص کنید.
- ۴- فراکتال استاپ را شرح داده و محل آن را مشخص کنید.
- ۵- چه موقع با بروکرتان تماس میگیرید تا روی یک فراکتال سفارش ترید خود را قرار دهید؟
- ۶- منظور از فراکتال رسپانسیو (روش ترید با انگشت شست) چیست؟
- ۷- توضیح دهید که چگونه فراکتالها در روش «ترید با انگشت شست» زود هنگام تر از یک فراکتال عادی می باشند.
- ۸- اولین هدف در «روش ترید با انگشت شست» چیست؟
- ۹- استراتژی های خروج را در یک «بازار ترنددار» در مقابل یک «بازار رنج و خنثی» با هم مقایسه کنید.



**خواننده گرامی سلام!**

**این کتاب تحت «نهضت ترجمه کتب و منابع فارکس در ایران» و در سایت علمی-آموزشی «سرمایه» تولید و منتشر گردیده است. خواهشمند است به هر طریقی که این کتاب را در اختیار گرفته اید برای حمایت از این نهضت و تشویق سایر جوانان پرشور و باانگیزه به تولید و ترجمه آثاری از این قبیل. همیاری و کمک های داوطلبانه خود را از ما دریغ نفرمایید.**

**به امید رشد و ارتقای روزافزون جایگاه علمی و تخصصی فارکس در ایران  
پشوتن مشهوری نژاد**

خوانندگان عزیز که علاقمند به دریافت فصول بعدی کتاب هستند می توانند پس از واریز مبلغ ده هزار تومان تحت عنوان حمایت و همیاری داوطلبانه از

**«نهضت ترجمه کتابها و منابع فارکس»**

به یکی از حسابهای بانکی زیر ، شماره فیش خود را به آدرس ایمیل [pshootan@yahoo.com](mailto:pshootan@yahoo.com) ارسال نموده و درخواست خود را جهت دریافت ادامه کتاب ، اعلام بفرمایند.

- ۱) بانک سپه - شعبه فلسطین جنوبی کد ۲۶۸۸ - شماره حساب ۳۸۱۵۱۱ بنام پشوتن مشهوری نژاد
- ۲) بانک سامان - شعبه بورس - شماره حساب ۱-۲۶۵۹۵۱-۸۰۰-۸۴۹ بنام پشوتن مشهوری نژاد
- ۳) بانک صادرات - سپهر کارت - شماره حساب ۰۳۰۱۰۸۳۴۵۷۰۰۷

امیدواریم که با کمک و حمایت شما دوستان و سروران عزیز ، بتوانیم برای اولین بار در ایران ، سایر کتب و منابع اصلی و مرجع فارکس را نیز به زبان فارسی و با کیفیتی مطلوب مهیا نموده و خدمتتان ارایه نماییم.